



محالؑ الحؑنیة

جلد اول

سید محمد علی مکی



سرشناسه: مکی، سید محمد علی، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدید آور: مجالس الحسینیه / سید محمد علی مکی.
مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی نقش، ۱۳۹۲ -
مشخصات ظاهری: ج.
شابک: ۱-۶۹-۶-۷۶۰۶-۹۶۴-۹۷۸-۱۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ هـ -- سوگواری‌ها
موضوع: خطبه‌ها
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م ۷۳/۳ BP۲۶۰
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۴
شماره کتابخانه ملی: ۳۲۸۸۷۱۴



انتشارات نقش

قم / بلوار معلم / مجتمع ناشران / طبقه ششم / واحد ۱۶۰۵ / ت ۳۷۸۴۳۵۱ - ۰۲۵

نام کتاب: مجالس الحسینیه
نویسنده: سید محمد علی مکی
ناشر: انتشارات نقش
ویراستار: حسین کریمشاهی بیدگلی
حروف نگاری و صفحه آرایی: راحل گرافیک (۰۹۱۲۶۵۳۷۰۲۱)
قطع: وزیری
چاپ: توحید
نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۱-۶۹-۶-۷۶۰۶-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۵۱۹۱۸۸

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

فلسفه قیام

امام حسین علیه السلام:

«وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيْرًا وَلَا بَطِيْرًا وَلَا مُسَافِرًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتْ
أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيْرَةِ جَدِّي مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ...»^۱؛ من نه از روی سرمستی و گستاخی و نه برای فساد و ستمگری حرکت کردم؛
بلکه تنها برای طلب اصلاح در امت جدّم حرکت نمودم. می‌خواهم ابراهیم معروف و نهی از منکر
کنم و به سیره جدّم و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام عمل نمایم.

۱. الفتوح، ج ۵، ص ۲۱؛ مقتل الخواریزمی، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۸۸؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰-۳۲۹.



پیش‌گفتار

۲۰.....	تاریخچه عزاداری امام حسین (ع)
۲۱.....	تاریخ عزاداری سیدالشهدا (ع) را می‌توان به مراحل زیر تقسیم کرد.....
۲۵.....	۱. پیشگویی‌های رسول گرامی اسلام (ص)
۲۶.....	۲. پیشگویی‌های امیرالمؤمنین (ع)
۲۶.....	۳. پیشگویی‌ها و عزاداری‌های سایر ائمه برای حضرت سیدالشهدا (ع)
۲۷.....	نخستین مجلس عزاداری پس از شهادت امام حسین (ع)
۲۸.....	دومین مجلس.....
۲۹.....	سومین مجلس.....
۳۰.....	مجلس چهارم.....
۳۰.....	مجلس پنجم.....
۳۱.....	مجلس ششم.....
۳۱.....	مجلس هفتم.....
۳۲.....	مجلس هشتم.....
۳۳.....	مجلس نهم.....
۳۶.....	عزاداری سایر ائمه.....



۳۸.....	رسمی شدن عزاداری.....
۳۹.....	انقلاب اسلامی و نهضت حسینی.....
۴۱.....	تعزیه خوانی.....
۴۳.....	تقویت و استعلاّی بینش شهادت.....
۴۴.....	مجالس الحسینیه.....
	شب اول محرم
۴۶.....	مقدمه.....
۴۷.....	قرآن و علم هیئت.....
۴۷.....	تواریخ مشهور چهار است.....
۴۷.....	لفظ تاریخ.....
۴۸.....	تاریخ عرب قبل از اسلام.....
۵۰.....	هجرت یعنی چه؟.....
۵۰.....	أشهر تواریخ.....
۵۲.....	ماه های حرام.....
۵۲.....	ماه های حرام از نظر اسلام.....
۵۳.....	نسبئی چیست؟.....
۵۵.....	ماه های حرام از نظر اعراب جاهلیت.....
۵۷.....	امام رضا (ع) سخن می گوید.....
	شب دوم محرم
۶۰.....	علماء تاریخ.....
۶۲.....	مبدأ این تاریخ.....
۶۳.....	هلاکت اصحاب فیل.....
۶۳.....	اریاط؛ فرمانده قشون اعزامی نجاشی.....
۶۵.....	خانه مقدّس ابرهه آلوده شد.....
۶۷.....	آرایش لشکر برای حمله.....



۶۸.....	ابرّه کجاست؟
۶۹.....	قصّه اصحاب فیل از نظر قرآن
۷۰.....	چرا محرمّ اول سال شد؟
۷۱.....	حسین علیه السلام وارد کربلا شد
۷۱.....	مُقَبِل در خواب چه دید؟
	شب سوم محرم
۷۵.....	چرا این ماه‌ها به این اسم نامیده شده‌اند؟
۷۵.....	این تاریخ هفته ندارد
۷۶.....	مبدأ این تاریخ
۷۶.....	بر یزدگرد چه گذشت؟
۷۸.....	عاقبت یزدگرد
۷۸.....	یزدگرد در مقابل ایوان
۷۹.....	دو مطلب مهم
۷۹.....	اما مطلب اول: طلاق کسری کجاست؟
۷۹.....	تیسفون کجاست؟
۸۰.....	انوشیروان را بشناسید
۸۱.....	این کجی بهتر از راستی است
۸۲.....	اما مطلب دوم، حسین علیه السلام داماد کسری شد
۸۴.....	یزدگرد را بشناسید
۸۴.....	وقایع روز سوم محرم
۸۵.....	عمر سعد کیست؟
۸۶.....	وداع امام حسین علیه السلام با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله
	شب چهارم محرم
۹۳.....	مبدأ این تاریخ
۹۴.....	آیا احترام این چند ماه منافات دارد با احترام ماه رمضان؟

- این آیه از نظر تفسیر..... ۹۵
- و همین آیه از نظر تأویل..... ۹۸
- آیا احترام این ماه‌ها را نگه داشتند؟..... ۱۰۰
- امام صادق علیه السلام چه حالی دارد..... ۱۰۰
- حوادث روز چهارم محرم..... ۱۰۱
- ابن زیاد و رأی شریح..... ۱۰۱
- مقام مسلم علیه السلام..... ۱۰۴
- حسین علیه السلام، مسلم علیه السلام را معرفی می‌کند..... ۱۰۴
- آرزوی ناامید شده..... ۱۰۵
- خیانت پسر..... ۱۱۰
- سفارش مسلم به حسین علیه السلام..... ۱۱۴
- شب پنجم محرم
- عدد ائمه از نظر عامه..... ۱۱۸
- فاضل بن بطریق چه گفت؟..... ۱۱۹
- اشکال و جواب..... ۱۲۰
- قول امام صادق علیه السلام را هم بشنوید..... ۱۲۴
- وقایع روز پنجم محرم..... ۱۲۷
- شبث بن ربیع به کربلا رفت..... ۱۲۷
- قافله شهیدان وارد کربلا شد..... ۱۲۹
- جبرئیل نازل گردید..... ۱۳۳
- شب ششم محرم
- توبه یعنی چه؟..... ۱۳۶
- گناه چیست؟..... ۱۳۷
- توبه به چه محقق می‌شود؟..... ۱۳۷
- چند روایت درباره توبه..... ۱۳۸



۱۳۹.....	توبه کن همچنانی که ثعلبه کرد.....
۱۴۴.....	دو واجب.....
۱۴۵.....	اما قبول توبه بر خدا واجب است.....
۱۴۵.....	آیا توبه حر قبول شد؟!.....
۱۴۷.....	شاه اسماعیل برای حر قبه درست کرد.....
۱۴۸.....	حر را بشناسید.....
۱۴۸.....	حر از اول سعادتمند بود.....
۱۵۱.....	حر شجاع‌ترین اهل کوفه بود.....
۱۵۳.....	حر در حضور امام حسین علیه السلام
۱۵۴.....	پیش از آنکه با حسین اشتی کند با خدا اشتی کرد.....
۱۵۷.....	حر در مقابل حرم.....
۱۵۸.....	شهادت حر.....
	شب هفتم محرم
۱۶۳.....	اهمیت جهاد از نظر اسلام.....
۱۶۵.....	مقصود از سیوف آلات حریه است.....
۱۶۸.....	ابوقدامه شامی که در بعضی از غزوات امیر لشکر بود، گوید.....
۱۷۱.....	جرجی زیدان می‌نویسد.....
۱۷۲.....	مؤمنین همه سربازند.....
۱۷۳.....	اهل اشارت گویند.....
۱۷۴.....	نظری به کربلا.....
۱۷۴.....	قاسم بن الحسن.....
۱۷۴.....	روحیه نیرومند قاسم.....
۱۷۶.....	شجاعت قاسم علیه السلام
۱۷۷.....	این مرد چه کاره بود؟.....
۱۷۸.....	نتیجه گفتار.....



- ۱۷۸ قاسم علیه السلام ابن سعد را طلبید.
 ۱۸۰ هر دو غش کردند.
 ۱۸۱ قاسم صدا می‌زند.
 ۱۸۲ کمپانی می‌گوید.
 ۱۸۴ یک نکته.
 شب هشتم محرم
 ۱۸۶ اقسام جهاد.
 ۱۸۷ اول جنگ سرد شروع کرد.
 ۱۸۹ رکن دوم.
 ۱۹۰ جزای این کار.
 ۱۹۲ جنگ گرم شروع می‌شو.
 ۱۹۲ بلال بن رباح.
 ۱۹۲ رنگ پیغمبر برافروخته شد.
 ۱۹۳ اکنون چه باید کرد؟
 ۱۹۴ فداکاری این است.
 ۱۹۶ عباس مورد آزمایش قرار گرفت.
 ۱۹۷ امام اجازه مرخصی به عباس داد.
 ۱۹۹ عباس از بوته امتحان بیرون آمد.
 ۲۰۰ شجاعت عباس علیه السلام.
 ۲۰۱ قیافه و اندام عباس.
 ۲۰۱ پس چرا قبر عباس کوچک شده است؟
 ۲۰۲ عباس به میدان می‌رود.
 ۲۰۳ عباس گوش فرا داد.
 ۲۰۵ شهادت عباس.
 ۲۰۹ امام علیه السلام به بالین عباس علیه السلام آمد.



روز هشتم محرم

- ۲۱۲..... برای هر کاری استاد لازم است
- ۲۱۳..... برای هدایت بشر نیز استاد لازم است
- ۲۱۳..... توضیح بیشتر درباره این موضوع
- ۲۱۴..... بازگشت به مطلب
- ۲۱۴..... معمار انسانیت نقشه می دهد
- ۲۱۷..... ائمه؛ قرآن ناطقند
- ۲۱۸..... امام علیه السلام فلسفه مسافرتش را بیان فرمود
- ۲۱۸..... می خواهد ابن سعد را هدایت کند
- ۲۲۰..... این حرف غلط است
- ۲۲۰..... جرئت حسین علیه السلام بر خلیفه دوم
- ۲۲۱..... حسین علیه السلام با معاویه نیز بیعت نکرد
- ۲۲۲..... آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
- ۲۲۴..... حبیب وارد کربلا شد
- ۲۲۵..... حسین علیه السلام بر بالین حبیب

شب نهم محرم

- ۲۲۸..... اشرف موجودات باید در أحسن صُور باشد
- ۲۳۰..... روایت آئینه و لطیفه آن
- ۲۳۱..... خوب رویان عالم
- ۲۳۶..... پیغمبر خاتم فقط دو نفر شبیه داشت
- ۲۳۷..... قیافه زیبای علی اکبر علیه السلام
- ۲۳۷..... ناسخ می گوید
- ۲۳۸..... شجاعت جسمی علی اکبر علیه السلام
- ۲۴۰..... معاویه شجاعت علی اکبر علیه السلام را ستود
- ۲۴۰..... معاویه چه نظر سیاسی داشت؟

- ۲۴۱ شخصیت خانوادگی علی اکبر علیه السلام
- ۲۴۲ علی اکبر علیه السلام دوست دار و محبوب پدر
- ۲۴۴ علی اکبر علیه السلام مشغول وداع است
- ۲۴۷ علی اکبر عازم میدان است

روز نهم محرم

- ۲۵۱ شکر نکردن، صورت را قبیح می کند
- ۲۵۲ مؤمنین همیشه خوب رویانند
- ۲۵۲ ظاهر، آیینه باطن است
- ۲۵۵ شاهد دیگر
- ۲۵۵ گاهی باطن تکذیب می کند ظاهر را
- ۲۵۶ سیره علی اکبر علیه السلام
- ۲۵۷ شهامت روحی علی اکبر علیه السلام
- ۲۶۲ رشته های محبت
- ۲۶۶ پسر را کشتند؟
- ۲۶۷ امام حسین به مرگ نزدیک شد

شب دهم محرم

- ۲۷۰ برای هر فردی وظیفه ای معین شده
- ۲۷۱ وظیفه اول
- ۲۷۱ وظیفه دوم و سوم
- ۲۷۲ وظیفه چهارم
- ۲۷۲ وظیفه پنجم
- ۲۷۳ این جمله شاهد ما است
- ۲۷۳ دعوت این داعی در کربلا اجابت شد
- ۲۷۴ علی اصغر را بشناسید
- ۲۷۶ حسین علیه السلام به رباب علاقه دارد



علاقه رباب به حسین (علیه السلام).....	۲۷۶
۱- بانوی آمریکایی مسلمان شد.....	۲۷۸
۲- کودکی به برکت علی اصغر شفا یافت.....	۲۷۹
قبر علی اصغر کجاست؟.....	۲۸۰
حُزن حسین (علیه السلام) در شهادت فرزند.....	۲۸۱
پیغام دوم.....	۲۸۳
پیغام سوم.....	۲۸۴
علی اصغر چگونه شهید شد؟.....	۲۸۴
علی جان علی جان.....	۲۸۶
روز دهم محرم	
برای هر یک وزیری است.....	۲۸۹
دولت نفس را مغلوب کن.....	۲۸۹
مخالفت با نفس چنین می شود.....	۲۹۳
حکومت عقل و وجود.....	۲۹۴
حسین (علیه السلام) مصداق این آیه است.....	۲۹۵
آخرین وداع را بخوان.....	۲۹۶
منظره اول.....	۲۹۷
سکینه صدا می زند.....	۳۰۰
منظره دوم.....	۳۰۲
منظره سوم.....	۳۰۵
کارش تمام شد.....	۳۰۸
زمین می لرزد.....	۳۰۹
شب یازدهم محرم	
اول: دانشمندی که به علم خود عمل کند.....	۳۱۲
بزرگترین و حساس ترین شغل ها را دانشمندان به عهده دارند.....	۳۱۴



۳۱۴	 دوم
۳۱۵	 سوم
۳۱۵	 چهارم
۳۱۵	 نتیجه عمل نکردن به علم
۳۱۶	 آتش زدن خیام
۳۱۷	 زینب علیها السلام گوید
۳۱۸	 وقایع این شب
۳۱۹	 نقل چند خواب
۳۲۰	 من از کربلای خیم می آیم
۳۲۰	 سکنه وارد قتلگاه شد
۳۲۲	 حسینم را کشتند
روز یازدهم محرم	
۳۲۴	 مقدمه
۳۲۶	 سلام یعنی؟
۳۲۷	 ضد سلام
۳۲۸	 فرازی از مناجات شعبانیه
۳۳۱	 اما بنی امیه
۳۳۲	 شهادت عبدالله بن الحسن علیه السلام
روز یازدهم محرم	
۳۳۷	 آثار صبر
۳۳۸	 جنایت ساریان
۳۴۲	 غالب کیست؟
۳۴۴	 سواران خدا سوار شوید
شب دوازدهم محرم	
۳۴۸	 مقدمه

۳۴۹.....	آداب و رسوم اجتماعی از نظر اسلام.....
۳۵۱.....	آغاز برنامه تبلیغی.....
۳۵۴.....	مادر حضرت قاسم و عروزش.....
۳۵۴.....	زینب در جست‌وجو است.....
	شب سیزدهم محرم
۳۵۸.....	مقدمه.....
۳۵۹.....	نور از نظر قرآن.....
۳۶۱.....	تمام اعمال صالح، نور است.....
۳۶۲.....	اما واقعه امشب.....
۳۶۳.....	دفن سیدالشهدا و یارانش به دو صورت گزارش شده است.....
۳۶۶.....	آداب دفن میت.....
	شب چهاردهم محرم
۳۶۸.....	دو امر و یک نهی.....
۳۶۹.....	مصائبی که برای انسان پیش‌آمد می‌کند، دو گونه است.....
۳۶۹.....	یاد خدا در مصائب مادی.....
۳۷۰.....	یاد خدا در مصائب معنوی.....
۳۷۱.....	امر دوم، شکر نعمت است.....
۳۷۱.....	رسول خدا چگونه شکرگزاری می‌کرد؟.....
۳۷۲.....	چه کسی یارای آن دارد که مانند علی عبادت کند؟.....
۳۷۳.....	آیا وقت آن نشده که اندوه شما برطرف شود؟.....
۳۷۴.....	قسم به خدا از پسر برادرم جدا نمی‌شوم.....
	شب پانزدهم محرم
۳۷۹.....	نجات از مرگ ممکن نیست.....
۳۸۱.....	حکایت عابد بنی اسرائیل.....
۳۸۶.....	زینب چه حالی داشت؟.....

- حرکت کاروان کربلا به سوی شام ۳۸۶
- شب شانزدهم محرم
- بعضی الفاظ در غیر معانی حقیقی خود استعمال می‌شود ۳۹۰
- معنای عقل در لغت ۳۹۱
- سه حدیث و یک آیه درباره عقل ۳۹۲
- معانی الفاظ دیگر که مورد بحث است ۳۹۳
- مقصود از امانت حقیقی ۳۹۵
- اهل بیت علیهم السلام را وارد شام کردند ۳۹۵
- مجلس یزید ۳۹۸
- سر مبارک و چوب نیززان ۳۹۸
- شب هفدهم محرم
- روشن کردن مطلب با ذکر مانده ها ۴۰۳
- کلمه طیبه چیست و کلمه خبیثه کدام است؟ ۴۰۳
- معنای طیب چیست؟ ۴۰۴
- پاکی و خبانت دو گونه است ۴۰۴
- اوصاف درخت طیب ۴۰۶
- انسان چه موقع کلمه طیبه است؟ ۴۰۶
- درخت وجود بشر در پاکی و دادن میوه متفاوت است ۴۰۷
- من فردی را می‌شناسم که ۴۰۸
- زندگی و شهادت امام سجاد علیه السلام ۴۰۹
- اسب حسین هم چنین کرد ۴۱۱
- منابع و مأخذ ۴۱۳

پیش‌گفتار

در طول تاریخ، جنگ‌های بسیاری، اتفاق افتاده و انسان‌های بی‌شماری هم کشته شده‌اند، ولی حافظه تاریخ برخی از آن‌ها را به یاد دارد و بسیاری را فراموش کرده و کسی بر کشته‌شدگان حوادث به یاد مانده گریه نکرده و یا گریه بر آن‌ها زودگذر بوده است. همچنین کشته شدن بسیاری، تنها گروهی خاص را متأثر کرده است، ولی درباره امام حسین (علیه السلام) و حادثه جان‌خراش عاشورا آن طوری که تاریخ و احادیث وارده می‌رساند، جهان شمول است و منحصر به زمانی ویژه و قوم و طائفه معین هم نخواهد بود. درباره هیچ کس جز امام حسین (علیه السلام)، گزارش نشده است که تمام پیامبران الهی، از آدم ابوالبشر تا خاتم انبیاء و خاندان پیامبر خدا و جمعی از اصحاب آن حضرت، قبل از ولادتش، بر او گریسته باشند و نیز فرشتگان، پریان، حیوانات، زمین و آسمان و حتی دشمن خون‌خوار او بر او گریسته باشد. در طول تاریخ کسی را سراغ نداریم که مردمی بیش از یک هزار و سیصد سال، بر او گریسته باشند و مجالس روضه‌خوانی و عزاداری و حتی تعزیه‌خوانی برای او بر پا داشته باشند.

تاریخچه عزاداری امام حسین (علیه السلام)

عزاداری برای سالار شهیدان و یارانش و گریه بر مصائبی که بر آنان گذشته است، به ویژه در دهه اول محرم و مهم‌تر از آن در روز عاشورا، مربوط به زمان‌های بسیار قدیم است. گرچه از حیث زمان و مکان و کمیت و کیفیت؛ شکل‌ها و رنگ‌های مختلفی به خود گرفته است، اما جوهر آن یکی است که همان عزاداری و نوحه‌سرایی برای مظلوم کربلاست.

عزاداری برای سیدالشهدا (علیه السلام)، دارای دو جنبه است:

اول: اظهار محبت به خاندان پیامبر خدا که قرآن کریم مودت آن‌ها را واجب کرده است:

«قُلْ لَا اسْتَلْجُمُ عَلَيْهِمْ آخِرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۱؛ بگو در برابر این (رسالت) مزدی از شما نمی‌خواهم جز دوست داشتنی خیرشاوندان (خود) را.

دوم: اظهار همدردی در بزرگترین مصائبی که برای اهل بیت رسالت (علیهم السلام) و در واقع برای اسلام، پیش آمده است. گریه کردن و نوحه‌سرایی فی حد ذاته - صرف‌نظر از ابعاد گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی - محبوب و مورد توجه خداوند، رسول گرامی و ائمه طاهرين بوده است و برای آن ثواب زیادی ذکر فرموده‌اند. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) حدیث طولانی از گفت‌وگوی آقا امام رضا (علیه السلام) با ریان بن شبیب^۲ نقل کرده است که در قسمتی از آن امام می‌فرماید:

«يَا ابْنَ شَبِيبٍ إِنَّ كُنْتَ بَاكِيًا لِّشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يَذْبَحُ الْكَبْشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَبِيبُونَ وَ لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرَتِهِ فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ فَهَمُّ

۱. شوری، ۲۳.

۲. ریان بن شبیب، دایم معتمد عباسی است؛ جواهر الکلام فی سوانح الأئام، ج ۱، ص ۴۱.



عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرٍ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا ثَنَاتِ الْحُسَيْنِ^۱؛ ای پسر شیب، اگر برای چیزی می‌خواهی گریه کنی، بهتر است برای حسین بن علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) گریه کنی. او را همانند قوچ سر بریدند و هیجده مرد از خانواده‌اش همراه او کشته شدند که همانندی در زمین نداشتند. آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها، برای کشته شدنش گریستند و چهار هزار فرشته برای یاری‌اش به زمین فرود آمدند، اما به آنان اجازه جنگ داده نشد. آنان اکنون در کنار قبر حسین (علیه السلام) آشفته و پریشان حال به سر می‌برند تا قائم (علیه السلام) ظهور نماید. آنان از یاران او خواهند بود و شمارشان این است: ای خون‌خواهان حسین.

تاریخ عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) را می‌توان به مراحل زیر تقسیم کرد:

(الف) قبل از خلقت آن بزرگوار را این بخش به دو مرحله تقسیم می‌شود:

۱. از خلقت حضرت آدم (علیه السلام) تا هبوط آن حضرت به زمین؛

۲. از هبوط تا رسالت حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله).

(ب) بعد از خلقت آن حضرت و این قسمت نیز به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. از رسالت پیامبر بزرگ اسلام و خاتم پیامبران تا غیبت کبرای خاتم الانبیاء؛

۲. از غیبت کبری الی زماننا هذا.

توضیح مرحله الف: ۱. اولین مجلس عزاء و سوگواری امام حسین (علیه السلام) در آسمان، نه در زمین و آن هم قبل از تاریخ و بعد از خلقت حضرت آدم ابوالبشر بود. ۲. نخستین کسی که قبل از واقعه

۱. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۳۹۹؛ الامالی للصدوق، ص ۱۹۳؛ الأقبال، ج ۳، ص ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

۲. اول تاریخی که روی زمین بنابر آن گذاشته شد، هبوط حضرت آدم به زمین بود، چنانکه صاحب جواهر الکلام در کتاب فی سوانح الأيام، ج ۱، ص ۴ نقل کرده است.

کربلا برای سیدالشهدا (علیه السلام) مرثیه سرایی کرد، خداوند متعال است که آدم ابوالبشر را از مصائبی که برای امام حسین (علیه السلام) پیش خواهد آمد، آگاه فرمود و او بر این مصیبت گریست. خداوند متعال به حضرت آدم (علیه السلام) وحی فرمود یا این که وسیله حضرت جبرئیل امین به او دستور داد که به ساق عرش نگاه کند. در ساق عرش چند کلمه دید. جبرئیل به او آموخت که بدان کلمات که اسماء پیغمبر و آل پیغمبر بود، پناهنده بشود و بدین گونه سخن بگوید تا توبه او به درگاه احدیت مقبول گردد: «يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَلِيُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ مِنْكَ الْإِحْسَانُ».

او گفت: ای حمید به حق محمد، ای عالی به حق علی، ای فاطر به حق فاطمه، ای محسن به حق حسن و حسین و از تو است احسان. زمانی که جبرئیل، حسین (علیه السلام) را یاد کرد، اشک های آدم جاری شد و دلش خاشع گردید. فرمود: ای برادرم جبرئیل! در یادکرد پنجمین نفر، دلم شکست و اشکم جاری گردید. جبرئیل گفت: این فرزند توست که به مصیبتی گرفتار می آید که دیگر مصیبت ها در برابر آن ناچیزند. فرمود: ای برادر! از مصیبت چیست؟

گفت: تشنه و غریب و تک و تنها، بی یار و یاور کشته می شو. ای آدم! اگر او را بینی که می گوید: «وای از تشنگی، وای از بی کسی» تا این که تشنگی، همانند دود، بین او و آسمان فاصله می اندازد و هیچ کس به او جواب نمی دهد، جز با شمشیر و نوشاندن مرگ و سر او همانند گوسفند از پشت بریده می شود و دشمنانش خیمه هایش را غارت می کنند و سر او و سرهای یارانش را در شهرها می گردانند، در حالی که زنان شان، همراهشان هستند. این چنین در علم خدای یگانه منان رقم خورده است. پس آدم (علیه السلام) و جبرئیل، همانند یک مصیبت دیده گریستند.^۱

۱. دانشنامه امام حسین (علیه السلام)، ج ۱، ص ۵۳؛ گزیده ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۳۳۸ و منبع هر دو، کتاب دُر الثمین است.



این اولین مجلس عزایی بود که در آسمان برای امام حسین (علیه السلام) برگزار شد. صاحب عزا و صاحب مجلس شخص خداوند بود. نوحه‌خوان حضرت جبرئیل و مستمع حضرت آدم ابوالبشر (علیه السلام) بود. شروع مجلس عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) از سه نفر بود، آن هم در عالم بالا.

۳. این مرحله بسیار طولانی بود؛ زیرا از حضرت آدم (علیه السلام) بعد از هبوط، تا حضرت خاتم، صد و بیست و چهار هزار پیامبر از انبیاء و المرسلین (علیهم السلام)، از طرف خدا مأمور به ابلاغ شدند و هدایت توده‌های مردم را به عهده داشتند. از میان آن‌ها تعدادی از پیامبران عالی‌مقام، به نوعی از حادثه خونین کربلا باخبر شدند و برای مظلوم کربلا و سلسله‌جنبان این فاجعه اسفبار نوحه‌سرایی و عزاداری نموده و اشک ماتم ریختند. اولین آن‌ها، خود حضرت آدم (علیه السلام) بود که پس از هبوط به زمین، حوا را ندید؛ به طلب او گشت، ناله کربلا رسید، مغموم شد و دل‌تنگ گردید و در جایی که امام حسین (علیه السلام) شهید می‌شود لغزید و خون از پای او جاری شد. سر به طرف آسمان بلند کرد و عرض نمود: «إِلَهِي هَلْ حَدَّثَ مِنِّي ذَنْبٌ آخَرُ فَعَاقِبَتِي بِهِ؟» آیا از من گناه دیگر صادر شده که مرا به آن مؤاخذه فرمودی؟ زیرا که تمام این زمین را گردیدم و مرا سوخت و بجای نرسید و اندوهی بر من وارد نشد، مانند آنچه در این قطعه از زمین بر من وارد گردید. خداوند نزو جل فرمود:

«يَا آدَمُ مَا حَدَّثَ مِنْكَ ذَنْبٌ - وَ لَكِنْ يَقْتُلُ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ وَلِذَلِكَ الْخُسَيْنُ ظَلَمًا - فَسَالَ دَمُكَ مُوَافَقَةً لِذِمَّتِهِ»؛ ای آدم، گناهی از تو سر نزده است، ولكن فرزند تو حسین در این زمین ظالمانه کشته می‌شود، خون تو ریخته شد برای همدردی با او.

آدم عرض کرد: آیا حسین پیغمبر است؟

خطاب رسید: نه، ولكن فرزند دختر پیغمبر آخرالزمان است. آدم عرض کرد: کیست قاتل او؟ خطاب رسید که قاتل حسین یزید است که لعین آسمان‌ها و زمین است و تمام اهل آسمان‌ها و

زمین‌ها او را لعن می‌کنند. پس آدم به جبرئیل گفت: «فَإِیْ شَیْءٍ أَصْنَعُ یَا جِبْرِئِیلُ؟»؛ چه کاری باید بکنم ای جبرئیل؟ جبرئیل عرض کرد: «الْعَنْهُ یَا آدَمُ»؛ ای آدم لعن کن. پس آدم چهار مرتبه یزید را لعنت کرد و چند قدم که برداشت، حوّا را در کوه عرفات دید.^۱

این بود مجلس عزاداری دوم برای امام حسین (علیه السلام)، ولی این بار در زمین بود، آن هم زمین کربلا جای شهادت آن حضرت. صاحب مجلس و صاحب عزا نیز مانند سابق، شخص ذات اقدس الهی و مرثیه‌خوان، حضرت جبرئیل امین و مستمع حضرت آدم بودند.^۲

۳. سومین مجلس که برای سیدالشهدا (علیه السلام) برپا شد، باز هم در زمین کربلا بود. هنگامی که حضرت نوح (علیه السلام) بر کشتی سوار شد، دور زمین طواف نمود و چون خواست بر زمین کربلا عبور کند، زمین، کشتی او را نگه داشت و نوح از آفت غرق به وحشت افتاد. پس خدا را بخواند و عرض کرد: ای پروردگار! من در جمیع دنیا طواف کردم، در هیچ موضع دنیا چنان بیمناک نشدم که در این منزل خوف و خشیت مرا فرو گرفت. این وقت جبرئیل فرود آمد و گفت: ای نوح، این موضعی است که سبط خاتم انبیاء و پسر خاتم اوصیاء کشته می‌شود. نوح فرمود: قاتل او کیست؟ جبرئیل فرمود: قاتل او لعین اهل هفت آسمان و هفت زمین است. نوح چهار بار او را لعنت کرد، پس کشتی او از مهلکه نجات پیدا کرد و طی مسافت نمود تا بر جبل جودی نشست.^۳

۱. کبریٰ احمر فی شرائط المنبر، ص ۷۲۸؛ به نقل از: منتخب المرائی شیخ طریحی نجفی، ج ۱، ص ۷۰؛ گزیده ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۳۳۴ بدون ذکر منبع.

۲. از مکالمه حضرت آدم (علیه السلام) با پروردگار عالم در سرزمین کربلا، صراحتاً فهمیده می‌شود که اتفاقاتی که برای انسان رخ می‌دهد، صدقه نیست و بدشناسی هم نمی‌باشد، بلکه همه و همه نتیجه و بازتاب اعمال و کرداری است که خود او انجام داده و موجب آن حادثه شده است!

۳. گزیده ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۳۳۵.



۴. به غیر از آدم و نوح، حضرت ابراهیم خلیل و اسماعیل و موسی و عیسی و سلیمان علیهم‌السلام، هر کدام به مصیبتی در آن زمین مبتلا شدند و حضرت جبرئیل از طرف خداوند متعال جریان حادثه خونین کربلا را برای آنان بیان کرد و گریه کردند و بر قاتل امام حسین علیه‌السلام لعنت کردند و از گرفتاری نجات یافتند.^۱

در تمام موارد گفته شده، صاحب مجلس و عزادار، خداوند متعال و مرثیه‌خوان؛ جبرئیل امین و مستمعین و گریه‌کنندگان؛ این بزرگواران بودند.

ب: این مقطع زمانی از پشت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شروع می‌شود و تا غیبت کبری ادامه پیدا می‌کند.

۱. پیشگویی‌های رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که از طریق انجیر الهی، از شهادت فرزندش حسین علیه‌السلام در آینده خبر داشت، در مناسبت‌های مختلف از این موضوع سخن گفته و حتی در بعضی از احادیث به صراحت نام قاتل فرزندش حسین علیه‌السلام را متذکر شده است. ابوسلمه از غایبه نقل می‌کند: «رسول خدا حسین را بر زانوی خود نشاندۀ بود و او را می‌بوسید. جبرئیل عرضه داشت: آیا این سرت را دوست داری؟ حضرت فرمود: آری. جبرئیل گفت: امت تو بعد از تو او را خواهند کشت. در این هنگام چشمان رسول خدا پُر از اشک گردید...»^۲

این اولین بار بود که خبر شهادت امام حسین علیه‌السلام به جذش رسول خدا داده شد و اولین مجلس عزاداری بود که بعد از خلقت امام حسین علیه‌السلام در روی زمین برقرار شد. صاحب مجلس؛ خداوند متعال و مستمع؛ رسول گرامی اسلام و مرثیه‌خوان هم جبرئیل امین بود و این اولین گریه

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳.

۲. مقتل جامع سیدالشهدا، ج ۱، ص ۱۷۸ از منابع مختلف نقل کرده است.

و اشکی بود که پیامبر عظیم‌الشان برای فرزند عزیزش آقا امام حسین علیه السلام ریخت. پیامبر عظیم‌الشان، در طول حیات پربرکت خویش، مکرر حادثه اسفناک و خونین کربلا را متذکر شده و به مسلمانان خبر می‌دادند.

۲. پیشگویی‌های امیرالمؤمنین علیه السلام

پدر بزرگوارش نیز از شهادت آن امام به دفعات مختلف خبر داد و ما در این مقدمه به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«هانی بن هانی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرموده: به یقین حسین کشته خواهد شد و من زمینی را که نزدیک نهر (فرات و علقمه) است و حسین در آن کشته می‌شود، می‌شناسم.»
و نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «من و فاطمه و حسن و حسین در محضر رسول خدا بودیم که ناگاه روی به سوی ما گرد گرفت و فرمود: من گفتم: ای رسول خدا! چه چیزی شما را به گریه آورد؟ فرمود: می‌گیرم برای ضربت خوردن و سبلی خوردن فاطمه و زخمی که بر ران حسن وارد می‌شود و ستمی که به او نوشانده می‌شود و برای کشتن حسین. در این هنگام، همه اهل خانه گریه کردند.^۱ این بار، صاحب مجلس و مرثیه‌خوان: پیامبر و مستمعین؛ حضرت زهرا و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام بودند که همه ناله سر دادند و گریه کردند.^۲

۳. پیشگویی‌ها و عزاداری‌های سایر ائمه برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام

امام حسن و خود امام حسین علیهم السلام نیز از حادثه کربلا خبر دادند. آگاهی و خبر دادن امامان معصوم علیهم السلام از شهادت سیدالشهدا علیه السلام، در مآخذ تاریخی و حدیثی کهن شیعه و سنی آمده است.

۱. همان، ص ۱۸ از منابع مختلف نقل کرده است.

۲. الأمالی، مجلس ۲۷، ص ۱۸۹.



افزون بر این روایات، جریان شهادت آن حضرت از سال‌ها قبل از وقوع آن، در میان اصحاب و دیگر مسلمانان نیز شهرت داشته است، چنانکه شیخ صدوق نقل می‌کند که جبلة مکيه می‌گوید: از میثم تمّار شنیدم که می‌گفت: «به خدا سوگند این امت، پسر پیامبر خود را در ده روز که از محرم بگذرد، می‌کشند»^۱ همچنین در خبر دیگری میثم تمّار و رشید هجری از شهادت حبیب بن مظاهر در رکاب امام حسین (علیه السلام) و گرداندن سرش در کوفه و این که مقرّری آورنده سر او صد درهم افزایش می‌یابد، خبر دادند.^۲ روایات فراوانی از پیامبر و امامان معصوم در باب ثواب عزاداری و گریستن بر مصائب امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت آن حضرت نقل شده که در آن‌ها، شیعیان به این امر تشویق و ترغیب شده‌اند.

نخستین مجلس عزاداری پس از شهادت امام حسین (علیه السلام)

پس از واقعه عاشورا، نخستین مجلس عزاداری در کربلا و بر سر اجساد پاره پاره امام و یارانش بر پا گردید. دختران امام (علیه السلام): زینب و امّ کلثوم و فاطمة صغری و همسرش رباب بودند که در کربلا، مجلس عزاداری برپا کردند. هنگامی که آن‌ها را از کنار نمازگاه حسین (علیه السلام) و یارانش عبور دادند، صدای شیون زنان بلند شد و به صورت‌شان می‌زدند. هر کدام صدای بی‌جان را در آغوش گرفتند و ناله سر دادند. حضرت زینب (علیه السلام) نعش برادر را در آغوش کشید و به نوحه‌سرایی پرداخت و خطاب به جدش عرض کرد:

«يَا مُحَمَّدَاةُ صَلِّيْ عَلَيْكَ مَلَايَكَةُ السَّمَاءِ هَذَا حُسَيْنٌ مُّرْمَلٌ بِالدَّمَاءِ مُقَطَّعُ الْأَغْضَاءِ وَ بَنَاتُكَ سَبَايَا إِلَى اللَّهِ الْمُشْتَكِي وَ إِلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ إِلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ إِلَى خَمْرَةَ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ يَا مُحَمَّدَاةُ

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۷۹-۷۸.

۲. الملهوف علی قتلى المطوف، ص ۱۸۰؛ مؤثر الاحزان، ص ۷۷.

هَذَا حُسَيْنٍ بِالْفَرَاءِ...^۱؛ و امحمد! آفریننده آسمان بر تو رحمت کند، اینک حسین است با اعضای پاره پاره در خون خویش آغشته، اینک دختران تواند که مانند اسیران، شکایت و استغاثت به درگاه الهی و محمد مصطفی و علی مرتضی و حمزه سیدالشهدا می‌برند. و امحمد! اینک حسین است قاتل اولاد زنا و دستخوش باد صبا. این حسین است که عریان روی خاک افتاده است...

راوی می‌گوید: «به خدا قسم، زینب با گریه خود، هر دوست و دشمن را به گریه انداخت، حتی اسبان مخالفان آن قدر گریستند که اشک‌شان، قطره قطره بر سینه آن‌ها فرو ریخت.»^۲

مرثیه‌خوان این مجلس، شریز کربلا، دخت علی مرتضی علیه السلام، حضرت زینب کبری علیها السلام بود. صاحب مجلس و مستمع: جناب خاتم مرتبت، حضرت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و موجودات عالم بودند.

دومین مجلس: دومین عزاداری هنگامی بود که اهل بیت عصمت و طهارت، از کربلا وارد کوفه شدند. شیخ مفید از «حذلم بن سَیِّر» نقل می‌کند که گفت: در سال ۶۱ هجری وارد کوفه شدم، زمانی که علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام با زنان کربلا باز می‌گشت و با آنان، سپاهیی بودند که آنها را در میان گرفته بودند. مردم برای تماشای آنها، چون آمدند. وقتی آنان را با شترانی بی‌جهاز آوردند، زنان کوفه می‌گریستند و مرثیه‌خوانی می‌کردند و گریبان چاک زده و مردان هم با آنان می‌گریستند.^۳

حضرت امّ کلثوم و فاطمه صغری، هر کدام جداگانه برای مردم خطبه خواندند و سرگذشت کربلا و مصائب وارده را بیان نمودند. از سخنان آن دو بزرگوار؛ گریه و شیون و واویلا و

۱. همان.

۲. اللّهُوف، ص ۷۹؛ بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۵۸۵۹.

۳. الأمالی للمفید، ص ۳۳۱؛ الأمالی للطوسی، ۹۱؛ الاحتجاج، ج ۳، ص ۱۰۹.



نوحه‌سرایی زنان شروع شد، موهایشان را پریشان نمودند و خاک بر سرشان پاشیدند و بر صورت‌هایشان چنگ زدند و سیلی نواختند. مردان نیز گریستند و ریش‌هایشان را کندند و گفتند: ای دختران پاکان! بس کنید که دل‌های ما را سوزانیدید و گلوهای ما را به درد آوردید و درون ما را شعله زدید. آن‌ها هم آرام شدند و ساکت گردیدند.^۱

در بازار کوفه مرثیه‌خوانان؛ دختران امام حسین علیه السلام و گریه‌کنندگان؛ زنان و مردان کوفه بودند. **سومین مجلس:** سومین عزاداری در مجلس یزید بن معاویه در شام بود. هنگامی که علی‌بن الحسین زین‌العابدین علیه السلام و اهل‌بیت رسالت را بر مجلس یزید وارد کردند و سر امام حسین علیه السلام در برابر او داخل تشتی گذاشته شد. او با چوب دستی، به دندان‌های پیشین امام می‌زد... زینب که آن را دید، دست به گریبان بُرد و آن را چاک زد و با صدای بلند و اندوهگین که دل‌ها را می‌خراشید، فریاد زد: «وا حسینا! ای حبیب پیامبر خدا! ای پسر من! و من! ای پسر فاطمه زهرا بانوی زنان! ای پسر محمد مصطفی...!»

به خدا سوگند، هر که در آن مجلس بود گریست به جز یزید که خاموش بود. زنی از بنی‌هاشم که در کاخ یزید بود، شروع به مرثیه‌سرایی برای امام حسین کرد و فریاد می‌زد: «ای حسین، ای محبوب، ای آقا، ای پسر محمد، ای بهار بیوگان و یتیمان، ای کشته به دست اولاد حرام...». هر که آن ناله‌ها را شنید، به گریه افتاد. مرثیه‌خوان این مجلس؛ زینب کبری بود و شنوندگان و مستمعین؛ اهل شام حاضر در مجلس یزید بودند، البته صاحب مجلس؛ خداوند متعال بود که انتقام‌گیرنده از قاتلان شهدای کربلاست.

۱. الملهوف، ص ۱۹۸؛ بخارا لتوار، ج ۴۵، ص ۱۱۲؛ الاحتجاج، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۴؛ مشیرالآخزان، ص ۸۸-۸۷.

مجلس چهارم: در کاخ یزید ملعون بود. هنگامی که زنان حسین علیه السلام وارد کاخ شدند، چند زن از زن‌های یزید شیون کشیدند و فغان برآوردند و برای حسین علیه السلام ماتم گرفتند^۱ و هیچ زنی از خاندان معاویه نماند، مگر این که برای حسین نوحه‌سرایی می‌کرد. آنان سه روز تمام برای امام حسین علیه السلام به نوحه‌سرایی و عزاداری پرداختند.^۲

مجلس پنجم: این مجلس باشکوه، بر سر قبور شهدا در کربلا انجام گرفت. هنگامی که زنان و اعضای خانواده امام حسین علیه السلام از شام بازمی‌گشتند و به عراق رسیدند، به راهنما گفتند: ما را از راه کربلا ببر. آنان^۳ به قتلگاه رساندند و دیدند که جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه و گروهی از بنی‌هاشم و مردانی از خاندان رسول خدا برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده‌اند... هم‌زمان حضور یافتند و شروع به گریه و انواه نمودند و بر سر و صورت زدند و ماتم جگرخراش برپا کردند. زنان آن حوالی هم دور آن‌ها جمع شدند و چند روزی به سوگواری پرداختند.

به نقل تاریخ دمشق: رباب، دختر امرؤ القیس کلیس داد، سکنه دختر امام حسین علیه السلام و همسر آن حضرت، مدت یک سال تمام در کنار قبر شوهرش اقامت نمود و ماتم‌سرا برپا نمود... وقتی حسین علیه السلام به شهادت رسید، از رباب خواستگاری شد و بر آن پافشاری شد. گفت: «غیر از رسول خدا، پدر شوهری انتخاب نمی‌کنم.» و ازدواج نکرد. یک سال پس از آن زیست و زیر سایه نرفت تا بیمار و افسرده شد و از دنیا رفت.^۴

۱. أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۴۱۷؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۶۴؛ الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۷۷.

۲. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۶۲؛ تاریخ دمشق، ج ۶۹، ص ۱۷۷.

۳. تاریخ دمشق، ج ۶۹، ص ۱۲۰؛ البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۱۰.



در این مجلس عزاداری، صاحب مجلس و صاحب عزاء؛ شخص زینب علیها السلام بود و مرثیه‌خوانان؛ به ترتیب خود آن حضرت و رباب و سایر دختران و خواهران امام حسین علیه السلام و جابر بن عبدالله انصاری بودند و مستمعین؛ زنان آن حوالی و سایر همسفران خاندان عصمت و طهارت بودند.

مجلس ششم: مجلسی بود که در مدینه برپا شد و برای شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش عزاداری نمودند. این مجلس در منزل اُمّ سلمه، همسر پیامبر خدا بود. پیامبر شیشه‌ای پُر از خاک به وی سپرده بود... و به او فرموده بود که: «جبرئیل به من خبر داده که اَمّت من حسین را می‌کشند.» اُمّ سلمه گفت: «پیامبر این خاک را به من داد و فرمود: وقتی این خاک، خون تازه شد، بدان که حسین کشته شده است.» آن خاک پیش اُمّ سلمه بود. هنگامی که زمانش فرا رسید، اُمّ سلمه هر ساعت به آن شیشه نظر می‌انداخت، وقتی دید که آن خاک، خون شده است، فریادش به «وا حسینا! ای پسر پیامبر خدا، بلند شو، زن، از هر سو شیون سر دادند، تا این‌که در مدینه چنان ولوله‌ای شد که تا آن زمان شنیده نشده بود. و ناله بنی‌هاشم، شدید و زیاد شد و آیین ماتم و سوگ برپا کردند. صاحب مجلس و مرثیه‌خوان هم گریه می‌کردند.»

مجلس هفتم: وقتی برپا شد که عمرو بن سعید بن عاص، حکمران مدینه، به منبر رفت و خبر شهادت حسین و یارانش را به اهل مدینه داد. آه و ناله بنی‌هاشم شدید و زیاد شد و آیین ماتم و سوگواری برپا کردند. راوی می‌گوید: به خدا سوگند، فغانی را همانند فغان و ناله بنی‌هاشم در داخل خانه‌هایشان نشنیده بودم.^۲

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۳؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۸۰.

به نقل الامالی، وقتی خبر کشته شدن امام حسين (ع) در مدینه پیچید، اسماء دختر عقیل بن ابی طالب با تعدادی از زنان بیرون آمد تا به قبر پیامبر خدا (ص) رسید و به آن پناه برد و شیون سر داد. سپس رو به مهاجران و انصار کرد و اشعاری را سرود و آن‌ها را تویخ نمود.^۱

ارشاد نقل می‌کند: امّ لقمان، دختر عقیل بن ابی طالب، وقتی خبر شهادت امام حسين (ع) را شنید، ماتم‌زده بیرون آمد و خواهرانش امّ هانی، اسماء، رمله و زینب، دختران عقیل بن ابی طالب، با او بودند، گریه می‌کرد و شکایت نزد پیامبر خدا می‌برد و از مردم گله می‌نمود.^۲

صاحبان عزا و روضه‌خوانان در این مجلس عزاداری؛ زنان بنی‌هاشم و مستمعین؛ زنان اهل مدینه بودند.

مجلس هشتم: هنگامی که از طرف امام سجاد (ع)، خبر شهادت امام حسين (ع) و یاران باوفایش به اهل مدینه رسید، این مجلس باشکوه عزاداری، نزدیک مدینه و در حضور آقا امام سجاد (ع) برپا گردید. راوی می‌گوید:

وقتی خاندان پیامبر نزدیک مدینه رسیدند، علی بن الحسين (ع) پیاده شد، بارش را بر زمین گذاشت و خیمه‌اش را برپا و زنان را پیاده نمود و «بشیر» را به مدینه فرستاد تا خبر شهادت اباعبدالله امام حسين (ع) و یارانش را به اهل مدینه بدهد. هنگامی که «بشیر» این خبر را به اهل مدینه داد، هیچ زن پرده‌نشین و پوشیده‌ای نبود، مگر این‌که با صورتی باز از پشت پرده‌ها بیرون آمد، با سر برهنه و سیلی به صورت‌زنان، شیون می‌کردند.

۱. الامالی للمفید، ص ۳۱۹؛ الامالی للطوسی، ص ۸۹.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۴؛ روضه‌الواعظین، ص ۲۱۲.



من زن و مرد گریانی پیش از آن روز ندیده بودم و نیز روزی را تلخ‌تر برای مسلمانان پس از درگذشت پیامبر خدا ﷺ مانند آن روز مشاهده نکرده بودم. تمام راه‌ها پر از جمعیت بود. علی بن حسین (علیه السلام) از خیمه بیرون آمد و در حالی که گریان بود، بر صندلی نشست، ولی نمی‌توانست جلوی اشکش را بگیرد. صدای گریه مردم بلند شد و ناله کنیزکان و زنان به هوا برخاست. مردم از هر سوء امام زین‌العابدین (علیه السلام) را تسلی می‌دادند و آن مکان، یکپارچه آه و فغان شد.^۱ پیرامون خیمه امام سجّاد (علیه السلام) آن قدر جمعیت بود که راه بسته شده بود. امام سجّاد (علیه السلام) به جمعیت اشاره فرمود که ساکت شوند. چون خاموش شدند، خطبه غریبی ایراد کرده و سرگذشت کربلا و فاجعه هولناک آن را برای اهل مدینه بازگو کرد. مردم صدا به «وا محمدا» بلند کرده و گریه سر دادند.^۲ در این مجلس، صاحب عزا و توحه توان شخص امام زین‌العابدین (علیه السلام) بود. مستمعین و عزاداران؛ انبوه زیادی زن و مرد اهل مدینه بودند.

مجلس نهم: این مجلس عزاداری، کنار قبر مطهر حضرت رسول اکرم ﷺ برپا گردید. صاحب عزا؛ پیامبر اکرم بود و مرثیه‌خوان؛ دختران از اسارت برگشته سیدالشهداء (علیه السلام) و امام زین‌العابدین (علیه السلام) بودند. هنگامی که امام سجّاد خیمه‌ها را جمع کرد و عازم ورود مدینه گردید، مردم مدینه که در اطراف چادر آن حضرت جمع شده بودند، با گریبان‌های چاک و ناله‌های سوزان، ملازمت خدمت ایشان داشتند. آن روز، روز جمعه بود که آن جماعت انبوه، گروه پس از گروه، با لباس‌های سیاه و بانگ «واویلاه» وارد مدینه شدند. تو گویی در مدینه زلزله شده و بنیان و جدران آن، از ناله و آه، زیر و زیر خواهد گشت. بدین‌گونه آشفته و دل‌کوفته طی طریق کردند

۱. الملهوف، ص ۲۲۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۷؛ مشیرالاحزان، ص ۱۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۹-۱۴۸.

تا به مسجد رسول خدا رسیدند. حضرت زینب علیها السلام چهارچوب در را گرفت و گفت: «يَا جَدَّاهُ إِنِّي نَاعِيَةٌ إِلَيْكَ أَخِي الْحُسَيْنِ»^۱؛ ای جد بزرگوار! اینک من خبر مرگ برادرم حسین را برای تو آورده‌ام. همی گفت و آب از دیده مبارکش چون قطرات باران جاری بود. سپس ام‌کلثوم با چشم گریان و سینه آتش‌انگیز درآمد و گفت: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ إِنِّي نَاعِيَةٌ إِلَيْكَ وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ علیه السلام»^۲.

در خبر است که در این وقت، از قبر رسول خدا ناله‌ای دردناک برآمد. در همین زمان بود که علی بن الحسین، چهره مبارک را بر قبر پیغمبر گذاشت و بگریست و اشعاری را زمزمه نمود و مردمان همچون ام‌یهاران بگریستند و بانگ «وَا مُحَمَّدَاهُ! وَا عَلِيَّاهُ! وَا حَسَنَاهُ! وَا حُسَيْنَاهُ!» در دادند. تا پانزده روز بدین شور و جوشش، سوگواری کردند و زنان بنی‌هاشم، جز جامه سیاه نپوشیدند و از آسیب گرما و سرما شکایت نکردند. امام سجاده علیه السلام، ایشان را طعام ماتم مرتب می‌داشت و می‌فرستاد.

سیدبن طاووس از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: امام زین العابدین علیه السلام، چهل سال تمام بر حسین علیه السلام گریست و در این مدت، قائم‌اللیل و صائم‌الهار بود و چون غلامش هنگام افطار، آب و طعام حاضر می‌کرد، آن حضرت در پیش روی خویش می‌گذاشت و می‌فرمود: «قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ جَانِعًا، قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَطْشَانًا»^۳؛ پسر رسول خدا گرسنه کشته شد و تشنه شهید گردید. این کلمات را مرتب تکرار می‌فرمود و می‌گریست، چندان که آن طعام را با آب دیده آلوده می‌ساخت و بدین گونه روزگار را گذرانید تا از دنیا رحلت فرمود.

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. مقتل ابی‌مخنف، ص ۳۲۶.

۳. لهوف، ص ۹۲.



لازم به ذکر است که بر اساس سنت رایج در میان عرب، چنانچه کسی به قتل می‌رسید، وابستگان او تا زمان مرگ قاتل و یا گرفتن انتقام از مسببان آن، مراسم سوگواری برپا نمی‌کردند و آن را به تأخیر می‌انداختند تا بدین وسیله روحیه انتقام‌گیری در بین وابستگان حفظ و منجر به گرفتن انتقام شود؛ زیرا گمان داشتند که سوگواری و گریه، باعث فروکش کردن حس انتقام و خشم نسبت به قاتلان می‌شود.

جواد علی در کتاب «المفصل فی تاریخ العرب، ج ۵، ص ۱۵۶» می‌نویسد: «عرب بر کشته‌هایش ناله و گریه نمی‌کرد تا این که انتقام آنان را بگیرد و فقط وقتی که قاتل کشته‌هایش کشته می‌شد، بر آنان ناله و گریه می‌نمود». می‌توان برای این گفته وی، «ممنوعیت گریه بر کشتگان کفار قریش در جنگ بدر»^۱ را شاهد آورد، اما اهل بیت پیامبر ﷺ و خاندان بنی‌هاشم، در آن دوران برخلاف سنت عرب جاهلی عزاداری کردند. البته از این که آمده است: «تا کشته شدن قاتلان، از زینت کردن و آراستن ظاهر خودداری کردند»، چنین برمی‌آید که رفتار آنان در این مدت، متأثر از همان سنت عربی بوده که بر زنده نگه داشتن حادثه قتل اهتمام می‌ورزیدند، هر چند با انجام دادن تغییراتی در این سنت؛ یعنی خودداری نکردن از گریه و سوگواری،^۲ حادثه کربلا و ماجرای قیام خونین و شگفت اباعبدالله الحسین علیهما السلام که در آن سال روزهای ۶۱ هجری و تنها نیم قرن از رحلت پیامبر خدا ﷺ روی داد، برای جامعه اسلامی آن روز تکان‌دهنده، حیرت‌زا و اندوه‌آفرین بود، به گونه‌ای که براساس برخی منابع تاریخی، آن سال را «عام‌الحزن»^۳ یعنی سال اندوه نامیدند. توجه پیشوایان الهی به این جریان و تأکید بر زنده نگه داشتن آن در قالب‌های گوناگون؛ مانند: گزارش چگونگی وقوع آن، گریستن برای آن، برپا داشتن مجالس

۱. دانشنامه امام حسین علیهما السلام، ج ۱۰، ص ۱۳۷.

۲. مقتل الحسین، ج ۲، ص ۴۰؛ التذکره، ج ۲، ص ۴۵۳.

عزاداری و مرثیه‌خوانی و غیره، نشان‌گر این است که این حادثه، فراتر از یک «مصیبت» یا «جریان غم‌انگیز» است و نباید عزاداری، رثا و غم‌گساری بر آن، در محدوده مصیبت‌خوانی و رثاگویی معمول و مرسوم باقی بماند. به همین دلیل هم، از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام، مراسم سوگواری به گونه مذهبی پایه‌گذاری شد.

در این مرحله، زمینه‌سازی لازم برای شکل‌گیری سنت سوگواری و آیین عزاداری انجام می‌شود و بستر مناسبی برای به وجود آوردن آیینی مذهبی رقم می‌خورد. امام زین‌العابدین علیه‌السلام را باید نقش‌آفرین اصلی این مرحله دانست. ایشان، برای شکل دادن بستری همیشگی، گریستن بر امام حسین علیه‌السلام و یاران شهیدش را مایه نجات از عذاب خدا و قرار گرفتن در دایره امن الهی و وارد شدن به بهشت دانست و خود نیز افزون بر ادامه دادن سوگواری تا مرگ عیبدالله بن زیاد و دیگر قاتلان شهیدان کربلا، تا پایان عمر از آن دست برنداشت.

عزاداری سایر ائمه: امام باقر و امام صادق و امام رضا و امام کاظم علیهم‌السلام، از هر فرصتی برای بیداری بیشتر مردم در چرایی و چگونگی حادثه کربلا، آیینی کردن عزاداری امام حسین علیه‌السلام و تبدیل آن به جریانی دینی و فکری استفاده می‌نمودند. با بیان فضیلت گریستن بر امام حسین علیه‌السلام و تشکیل مجالس سوگواری و عزاداری در منازل خود و تشویق مرثیه‌سرایان و توجه به ادبیات و شعر متعهد، در جاودانه‌سازی جریان کربلا و برای نخستین بار، مطرح کردن تعطیلی روز عاشورا و کنار گذاشتن کارهای روزانه و در نهایت تأکید بر این نکته که عزاداری سیدالشهدا در دنیا به دین آن‌ها یاری می‌رساند و در روزگار واپسین، آن‌ها را با امام حسین علیه‌السلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم هم‌جوار می‌گرداند، مکتب عزاداری را بنیان نهادند.



در زمان امام جواد و امام هادی علیه السلام و تا عصر غیبت صغری، در اثر فشار و نظارت مستمر دستگاه ستم‌پیشه عباسیان، عزاداری و برپا نمودن مجالس، مقداری فروکش نمود. در روزگار متوکل، خفقان عمومی و به‌ویژه سخت‌گیری درباره رفتن به کربلا و زیارت قبر مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام به اوج خود رسیده بود.

در اواخر دوره غیبت صغری در بغداد، زن نوحه‌سرای خوب و ماهری بود که به «خلب» مشهور بود. او مخفیانه در منازل شیعیان بر امام حسین علیه السلام نوحه می‌خواند. حسن بن علی بن خلف الربهری، رئیس جنبدیان بغداد، دستور قتل او را صادر کرد. او شیعیان را فراوان تحت فشار قرار می‌داد و به دستور او به خانه آنان شبیخون می‌زدند و متعرض داد و ستد مردم می‌شدند و هر کس که برخلاف نظر آن‌ها عقیده داشت، ترور می‌کردند، تا جایی که امام محمد بن جریر طبری (مؤلف کتاب‌های تفسیر و تاریخ) را مدتی در خانه حبس کردند و وقتی از دنیا رفت، مانع تشییع و دفنش گردیدند.^۱ برای جلوگیری از زیارت امام حسین علیه السلام، دست و پای مردم را قطع می‌کردند. قبر آن حضرت را خراب کردند و بر آن آب بسته و شکنج زدند. این فشارها به نقطه‌ای رسید که اگر کسی در رثای اهل بیت، به‌ویژه امام حسین علیه السلام نوحه و روضه‌ای می‌خواند، مورد تعرض، آن هم به بدترین شکل ممکن واقع می‌شد؛ مانند داغ کردن پیشانی مرثیه‌سرایان اهل بیت علیهم السلام. در مصر نیز به هنگام سلطه حکومت‌های غیر شیعی (اخشید و کافور ۳۲۳-۳۵۸ ه‍.ق) مردم آن دیار، روز عاشورا بر سر مزار امامزادگان (أم کلثوم و نفیسه) گرد می‌آمدند و عزاداری می‌کردند، بدان‌سان که حکومت (کافور) الزاماً برای جلوگیری از آن، در صحرا مأمور گماشته بود. مراقد این

۱. تجارب الأمم، ج ۵ ص ۴۱۴؛ الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۲۳.

دو امامزاده در روز عاشورا، هیچ‌گاه خالی از جمعیت نبود. سیاهان و کافوریان در کوچه و بازار جلوی مردم را می‌گرفتند و به آن‌ها می‌گفتند: دایات کیست؟ اگر می‌گفت: معاویه، احترامش می‌کردند و اگر خاموش می‌ماند، با او بدرفتاری می‌کردند و لباس و هر چه داشت، از او می‌گرفتند.^۱

رسمی شدن عزاداری: در آغاز سده چهارم هجری، حکومت آل‌بویه در ایران و حکومت فاطمیان در شمال آفریقا شکل گرفتند و اندک اندک، بر قلمرو خود افزودند. در نیمه دوم سده چهارم، ایران (به جز مناطق شرقی آن) و مرکز عراق، در اختیار دولت آل‌بویه بود و شمال شرق آفریقا، مصر، شام و فلسطین نیز در اختیار فاطمیان قرار داشت. در سال ۳۵۲ هـ ق، معزالدوله دیلمی، حاکم بویه‌ای بغداد با فرمانی مردم را به اقامه عزاداری در روز عاشورا و در معابر فراخواند و بدین‌سان عزاداری رسمیت یافت. یک دهه بعد، فاطمیان نیز در مصر چنین کردند. در روز عاشورای سال ۳۶۳ هـ ق، جمعیتی از شیعیان دواداران‌شان به کنار مزارهای اُمّ کلثوم و نفیسه رفتند. گروهی از سوارگان و پیادگان (مغار) نیز با آن‌ها بودند. همگی به نوحه‌سرایی و گریه برای امام حسین (علیه السلام) پرداختند.^۲

افزون بر این دو دولت که بخش بزرگی از جهان اسلام را در اختیار داشتند، دولت‌های دیگری نیز با گرایش‌های شیعی به این موضوع پرداخته‌اند. ابوریحان بیرونی و عبدالجبار معتزلی، به برپایی عزاداری در شهرهای بزرگ دنیای اسلام در حکومت‌های شیعی سده چهارم و پنجم اشاره کرده‌اند.^۳

۱. الخطط المقریبه، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به کتاب دانشنامه امام حسین (علیه السلام) نوشته محمدی ری‌شهری، جلد دهم، از صفحه ۱۳۸ به بعد مراجعه شود.



با روی کار آمدن دولت صفویه در قرن دهم هجری (۹۰۷-۱۲۰۰ هـ) و رسمیت یافتن مذهب شیعه، جریان عزاداری و روضه‌خوانی برای امام حسین (علیه السلام) گسترش بیشتری یافت. شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی، ارزش‌های مذهبی شیعه را که از یک قرن قبل زمینه آن فراهم شده بود، مورد توجه شاعران، راویان، واعظان و جامعه قرار دادند تا این که فاضل متبحر قرن نهم، ملاحسین واعظ کاشفی (۹۱۰-۸۴۰ هـ)، کتاب «روضه‌الشهدا» را در مقتل امام حسین (علیه السلام) نوشت. مردم از روی آن کتاب، در مجالس حسینی می‌خواندند: چون کتاب از نظر ادبی و فصاحت و محتوا عالی بود، هر کس از عهده آن برنمی‌آمد و آنان که خوب آن را آموخته و درست می‌خواندند، به روضه‌خوان مشهور شدند. گرچه بعدها کتاب‌های دیگری هم نگاشته شد و مطالب روضه‌الشهدا را هم از حفظ می‌خواندند، ولی عنوان روضه‌خوان بر کسانی که مقتل امام حسین (علیه السلام) و حکایات و اشعار و فضائل مربوط به او را می‌خواندند، باقی ماند و روضه‌خوانی تبدیل به فنی خاص گشت.

انقلاب اسلامی و نهضت حسینی: شکل‌گیری، استمرار، پیروزی و در نتیجه قوام و دوام انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ایران را می‌باید به میزان قابل توجهی، مدیون و مرهون «روضه» و «منبر» دانست. اگر دست پرتوان الهی را در پیروزی و استحكام انقلاب، محوری بدانیم که باید بدانیم؛ بی‌گمان نقش «منبر» و «روضه» را نیز باید در راستای «دست خدا» دانست، چه آنکه آنچه بر فراز منابر گفته می‌شد و آنچه روضه و روضه‌خوانی را معنا می‌بخشید، کلام خدا بود و ترویج و تبیین آن. نقطه شروع نهضت اسلامی ملت ایران بر فراز «منبر» شکل پذیرفت؛ منبری که خطیب آن روح‌الله بود تا با نفس مسیحایی خویش از فراز همان منبر، روحی تازه بر کالبد بیمار و رو به موت جامعه بدمد. فریاد «من اعلام خطر می‌کنم» او در آن عصر غمبار عاشورا، پایه‌های



تخت فرعون زمان را به لرزه درآورد تا به همگان ثابت کند که نقش «وعظ» و «منبر» در به حرکت درآوردن جامعه، بسیار حیاتی و محوری است. سخنان روح‌الله بر فراز منبر، نهضتی را آغاز کرد که سال‌ها بعد، توفان آن، کرانهٔ ظلم و استبداد را درنوردید و تومار ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی را برای همیشه درهم پیچید.

دین اسلام، با همین روضه‌خوانی‌ها به حیات طیبیهٔ خود ادامه داد. اکنون هم با سخنرانی‌ها و راهنمایی‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) و تشویق به عزاداری و روضه‌خوانی مشاهده می‌کنیم که هر سال، از اول محرم تا آخر ماه صفر و در سایر مناسبت‌ها، در سراسر کشور پهناور جمهوری اسلامی ایران، مجالس عزاداری و روضه‌خوانی برپا می‌شود و شعاع این حرکت، به سایر کشورها نیز سرایت کرده و در آن‌ها نیز همین‌گونه مجالس برپا می‌گردد و از طرفی دشمنان اسلام و فرزندان معاویه با شبکه‌های مختلف تلویزیونی و سایت‌های اینترنتی سعی می‌کنند که جلوی این عزاداری‌ها را بگیرند و اهالی جوانان را از حسین بن علی (علیه السلام) و قیام آزادی‌خواهانهٔ آن حضرت منحرف سازند که همواره تیرشان به سنگ می‌خورد و ناموفق می‌مانند. شاهد بر این قضیه، همین بیداری اسلامی است که در تونس، یمن، لیبی، مصر، بحرین و اردن می‌بینیم و می‌شنویم. جوانان مسلمان این کشورها از قیام ملت ایران و حرکت خونین سیدالشهدا الگو گرفته و تا پای جان ایستادگی می‌کنند و هر چه فرعون‌ها و نمرودها کوشش دارند که انقلابشان را از مسیر صحیح خود منحرف کنند، موفق نمی‌شوند.

از عصر سلاطین آل‌بویه (حدود سال ۳۵۰ قمری به بعد) تا عصر حاضر، در هر زمان به‌طور عموم در شهرهای شیعه‌نشین و به‌ویژه در مشاهد مشرفه، دستجات سینه‌زن‌ها از هر طبقه، با شکوه تمام با انواع گوناگون، هر ساله دایر و در گردش و در منظر و محل شهود جمع فقهاء



مجتهدین و مراجع تقلید شیعیان بوده و امضاء و تقریر فرموده و نهی و جلوگیری نکرده‌اند. دستجات سینه‌زن باشکوه از طبقات مختلف، در سامراء و کاظمین و کربلا و نجف اشرف همه ساله دایر و در گردش است. در کربلا، از دستجات باشکوه، دستهٔ طبقهٔ عطاران بود و نوحه‌خوان آن‌ها، به عبدالعطار معروف بود. مشهور است که تأسیس عزاداری و سینه‌زنی این طبقه، از مرحوم آقا میرسیدعلی صاحب ریاض بوده و مشعل آن‌ها را در شب‌های سینه‌زنی، آن مرحوم خودش حمل می‌فرموده است.^۱

تعزیه‌خوانی: تعزیه در لغت، به معنای سوگواری و برپا داشتن مراسم عزاداری به یادبود درگذشتگان است و در اصطلاح به نوعی نمایش آیینی و مذهبی براساس واقعهٔ کربلا و شهادت امامان و وقایع دیگر مذهبی و داستان‌های تاریخی و اساطیری عامیانه اطلاق می‌شود. با تکامل و دگرگونی تدریجی تعزیه‌خوانی در دوره‌های اخیر، بعضی از تعزیه‌های شادی‌بخش و طنزآمیز هم به آن اضافه شده است. از این‌رو، غم‌نگیز بودن دیگر شرط حتمی تعزیه به مفهوم کلی آن نیست. بعدها نویسندگان کلمهٔ «شبییه» را نیز به مجله‌ی تعزیه و هم به تعزیه‌خوانی اطلاق کردند.

در دورهٔ قاجاریه از بعضی داستان‌ها و وقایع تاریخی و مذهبی غیر از واقعهٔ کربلا تعزیه ساخته شد و بر جنبه‌های نمایشی یا درامی تعزیه‌های شهادت نیز افزوده گشت. از آن پس برخی از نویسندگان و ادیبان، واژه‌های «شبییه» و «تشبییه» و مانند آن‌ها را که از دیرباز در نوشته‌ها و منابع کلامی و اسلامی وجود داشت و مفهوم شکلی و نمایشی تعزیه را نیز بهتر افاده می‌کرد، به جای

۱. رسالهٔ مواکب دستجات حسینیّه، ص ۱۳.



ارزش‌های والای شهادت و تعیین یک هویت فرهنگی چیره، در رفتار و اخلاق جمعی مردم جامعه، نقشی سخت و مؤثر دارد.^۱ خلاصه، قیام خونین کربلا و روایت فداکاری و از خودگذشتگی قهرمانان عاشورا، به صورت روضه‌خوانی، دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی و مذاحی صحیح مناسب و یا به صورت تعزیه‌خوانی و شبیه، پایداری و دوام دین مقدس اسلام را بیمه و روح آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی را در جوانان زنده می‌کند و کاخ جباران و ستم‌گران را به لرزه درمی‌آورد.

مجالس الحسینیّه: نام کتابی است که پیش‌روی شماست. این هم، الهام گرفته از مجالس عزاداری و روضه‌خوانی ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) در طول تاریخ است. ده‌ها سال قبل که در حوزه نجف اشرف مشغول تحصیل بودم و در کنار آن سفرهایی نیز برای تبلیغ به کشورهایمانند قطر، بحرین، کویت و لبنان داشتم، لازم بود که مطالبی برای سخنرانی و منبر تهیه می‌کردم. «مجالس الحسینیّه» مجموعه متونی است که از سال ۱۱۸۲ هـ. ق به بعد برای همین غرض نوشته شده و جمع‌آوری گردیده است. لازم به ذکر است که چون این مجموعه از نظر مطالب، بسیار غنی و متراکم است، این قابلیت را دارد که هر کدام از مجالس آن در بیش از یک مکان و زمان مورد بهره‌برداری اهل منبر قرار گیرد.

امید است که این اثر برای حقیر باقیات‌الصالحات بوده و آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، نام این بنده گناه‌کار را در دیوان منبری‌ها و روضه‌خوان‌های مصائب عاشورا منظور فرمایند. ان شاء الله.

سید محمدعلی مکی